

نگاهی به اقتصاد

سیاستهای اقتصادی مصوب برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تداوم آن در برنامه دوم تحولات عمده‌ای را در صحنه اقتصادی ایران موجب شد که حاصل آن تقویت بنیان و بنیه اقتصادی کشور بود. در قالب این دو برنامه نوسازی اقتصادی و بازسازی مناطق تخریب شده برائر جنگ و حوادث طبیعی به انجام رسید و تولید در بخش‌های اقتصادی رونق گرفت. علاوه بر آن سیاستهای اتخاذ شده براساس منطق و قوانین شناخته شده اقتصادی در جهت تعدیل کجی‌ها و کاستی‌ها هم در نحوه تفکر و هم در اجرای سیاستهای اقتصادی، برخی آثار مثبت خود را بروز داد. در عین حال حجم وسیع فعالیتهای عمرانی و زیر بنایی فشار بر ظرفیتهای موجود را تشدید کرد و موجب تحمیل نرخ تورم بالایی در برنامه اول گردید که طبیعتاً انتقاداتی را به دنبال داشت. لذا طی برنامه دوم مهار تورم هدف عمده و اصلی دولت قرار گرفت و تا حدود زیادی این هدف محقق گشت. نرخ تورم از حدود ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۴ به ۲۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ و حدود ۱۷/۳ درصد در سال ۱۳۷۶ رسید. به عبارت دیگر پس از فشار سیاستهای بازسازی و نوسازی بر ظرفیتهای اقتصادی کشور ابتدا آثار تورمی آن ظاهر شد و سپس با ظهور آثار مثبت آن و با هدف قراردادن مهار تورم، آن هم تحت کنترل درآمد. در همین دوره به علت افزایش ظرفیتهای زیربنایی و تقویت بنیان تولید، بخش‌های مختلف رشد قابل ملاحظه‌ای را شاهد بودند و در مورد بسیاری از

کالاها، پس از سالها انتظار، عرضه بر تقاضا فزونی گرفت. در این مرحله مشکل اصلی تولیدکنندگان محدود بودن تقاضا است و شکایت آنان دیگر از کمبود مواد اولیه نیست بلکه وفور کالاها در انبارها به عنوان یک معضل اساسی مطرح می‌باشد.

در چنین شرایطی وقایعی در دنیا به وقوع پیوست که اقتصاد ما را تحت تأثیر قرارداد. کشورهای آسیای جنوب شرقی که طی ۳ دهه از پیشرفت‌های آنان به عنوان معجزه اقتصادی یاد می‌شد یکی پس از دیگری دچار رکود و بحران شدند و آثار این بحران بصورت زنجیره ای کشورهای دیگر را دربر گرفت. در نتیجه این بحران و رکود نسبی فعالیتها در سایر کشورها قیمت نفت در بازارهای جهانی رو به کاهش نهاد. آثار این وضع ابتدا در سال ۱۳۷۶ روی نمود و سپس در سال ۱۳۷۷ باتمام وجود عرض اندام کرد.

حاصل این تحولات، کاهش ۲۰/۵ درصدی در درآمدهای نفتی ما در سال ۱۳۷۶ نسبت به سال قبل و کاهشی بس شدیدتر در سال ۱۳۷۷ بود. بر اثر کاهش قیمت جهانی نفت رشد اقتصادی ما در سال ۱۳۷۶ کمتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه سوم بود و به ۲/۹ درصد محدود شد. رشد اقتصادی بدون نفت برابر ۴/۵ درصد شد که کمتر از سال پیش بود. در سال ۱۳۷۶ به جز بخش‌های صنعت، برق، گاز، آب و حمل‌ونقل و ارتباطات بقیه بخش‌ها رشد کمتری نسبت به سال ۱۳۷۵ داشتند. در این سال باز هم قسمت عمده‌ای از بدهیهای خارجی کشور پرداخت شد بطوریکه در مجموع ۴/۷ میلیارد دلار از بار بدهی خارجی کشور سبک شد و لذا از فشار بر تراز پرداخت‌ها کاسته شد و از این نظر اعتبار کشور در بازارهای مالی بین‌المللی افزایش یافت.

در سال ۱۳۷۶ رشد نقدینگی به ۱۵/۲ رسید. هر چند این رقم با هدف برنامه سوم اندکی فاصله دارد اما در مقایسه با رشد سال ۱۳۷۵ (۳۷ درصد) کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد که خود حاکی از تأثیر سیاستهای پولی و مالی اتخاذ شده و هدایت آن در جهت درست است. حجم نقدینگی در پایان سال ۱۳۷۶ به ۱۳۴۳۱۳ میلیارد ریال رسید که ۶۳۳۰۴ میلیارد آن پول و بقیه یعنی ۷۱۰۰۹ میلیارد ریال آن شبه پول بود. باید تأکید کرد که کنترل میزان نقدینگی موجب ثبات متغیرهای پولی و غیرپولی و لذا موجب ثبات محیط اقتصادی می‌شود. بنابراین تداوم این کنترل برای سلامت اقتصادی کشور اهمیت بسیاری دارد. بدون کنترل این متغیر حفظ ثبات اقتصادی

غیرممکن خواهد بود. لذا پرهیز از ایجاد کسری بودجه بصورت پنهان یا آشکار و رساندن آن به حداقل ممکن در شرایط فعلی اقتصادی از مهماتی است که هیچگاه نباید آن را از نظر دور داشت. در زیر بصورت خلاصه بخش‌های اقتصادی را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

□ بخش کشاورزی

بخش کشاورزی در این سال از رشد کمتری نسبت به سال ۱۳۷۵ برخوردار بود. میزان بارندگی کمتر از متوسط آن در سالهای گذشته بود و قسمتهایی از کشور دچار خشکسالی گردید به نحوی که برای جبران این وضع بر سقف اعتباری بخش کشاورزی به میزان ۱۰۰۰ میلیارد ریال افزوده شد. تولید گندم فقط ۰/۳ درصد رشد کرد و تولید جو، برنج، پنبه به ترتیب حدود ۹ درصد، ۱۲ درصد و ۲۵ درصد کاهش یافت. در مقابل تولید برخی از دیگر محصولات نظیر چغندر قند، نیشکر و دانه‌های روغنی از رشد قابل توجهی برخوردار شد.

□ صنعت و معدن

تقویت زیربنای اقتصادی و ساخت بسیاری از حلقه‌های مفقوده صنعتی در سالهای قبل و تداوم واردات مواد اولیه موجب شد که بخش صنعت رشد بیشتری در این سال نسبت به سال ۱۳۷۵ داشته باشد. بخش صنعت رشدی برابر ۸/۲ در سال ۱۳۷۶ داشت. در این سال شاخص کل تولید کارگاههای بزرگ صنعتی (کارگاههای با بیش از ۵۰ نفر کارکن)، ۱۰/۵ درصد رشد کرد و شاخص اشتغال این کارگاهها از رشد قابل توجهی به میزان ۲ درصد برخوردار شد. بررسی تغییرات سطح تولید در زیربخش‌های اصلی کارگاههای بزرگ صنعتی حاکی از افزایش تولید در کلیه زیربخش‌ها به غیر از صنعت کاغذ و مقوا است. رشد تولید در کارگاههای تولیدکننده ماشین‌آلات، محصولات و وسایل فلزی و فلزات اساسی به ترتیب به میزان ۲۸ درصد و ۱۰ درصد بود که عمدتاً ناشی از بهره‌برداری از واحدهای جدید صنعتی است. در این سال شاخص مزد کارکنان کارگاههای صنعتی نیز رشد بسیار سریعی به میزان ۳۰ درصد نشان داد که نزدیک به ۲ برابر نرخ تورم این سال است.

صادرات کالاهای صنعتی که از سالهای پیش رو به توسعه بود، همچنان در این سال قابل توجه بوده است. مجموع صادرات کالاهای صنعتی برابر ۱۵۸۰ میلیون دلار بود که برابر ۵۵ درصد از کل صادرات غیر نفتی را تشکیل داد.

در این جا ذکر این نکته ضروری است که به علت ساخت بسیاری از مواد اولیه صنعت در صنایع داخل نیاز به واردات مواد اولیه و کالاهای نیم ساخته صنعتی کاهش یافته است. این وضع به ثبات بیشتر اقتصادی در زمان بروز نوسانات اقتصادی کمک می کند ضمن آنکه رشد صنعت را پایدارتر نگاه می دارد.

□ سوخت و نیرو

می دانیم که تولید در بخش نفت با سقف تعیین شده در اوپک رابطه مستقیم دارد. سهمیه تعیین شده در سالهای اخیر به خاطر اجتناب از افت بیشتر قیمت جهانی نفت سیر فزاینده نداشته است. لذا رشد تولید در این بخش بسیار محدود بوده است. از طرفی هم به علت کاهش بهای نفت در سالهای اخیر در مجموع ارزش افزوده بخش نفت روندی کاهنده داشته است. این وضع از دو جهت رشد تولید ملی ما را کاهش داده است:

۱ - به علت کاهش ارزش افزوده بخش نفت.

۲ - به خاطر آثار رکودی که این کاهش روی سایر بخش های اقتصادی داشته است.

تولید نفت کشور در سال ۱۳۷۶ روزانه حدود ۳/۶ میلیون بشکه و صادرات نفت خام روزانه حدود ۲/۳ میلیون بشکه با متوسط قیمت ۱۶/۴ دلار بوده است. تولید گاز طبیعی و تولید برق به ترتیب ۸/۳ درصد و ۷/۶ درصد رشد داشته اند. در مجموع طی این سال ۶۹/۵ میلیارد متر مکعب گاز و ۷۳/۴ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید شد که قسمت اعظم این انرژی ها در داخل کشور به مصرف رسید. از سوی دیگر حجم سرمایه گذاری از محل بودجه عمومی دولت در بخش انرژی کشور به رقم قابل توجهی به میزان ۵۱۸۸ میلیارد ریال بالغ شد. این رقم بیش از ۲۵ درصد از کل بودجه عمرانی دولت را تشکیل می دهد. بخش اعظم سرمایه گذاری های مذکور در صنعت نفت بود و این

بخش به تنهایی ۵۳/۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری دولت در بخش انرژی را جذب نمود. سهم بخش‌های گاز و برق به ترتیب ۱۷/۹ درصد و ۲۸/۷ درصد بود.

□ ساختمان و مسکن

در این سال فعالیت در بخش ساختمان دچار کندی گردید و از رشد آن کاسته شد. مطابق آمار موجود، سطح کل زیربنای ساختمانهای شروع شده و تکمیل شده به ترتیب ۲۳ درصد و ۶ درصد کاهش یافت. دلیل این امر کاهش پرداختهای عمرانی دولت و کاهش فعالیتهای بخش خصوصی در این زمینه بود. افت فعالیت بخش دولتی به خاطر کمبود منابع مالی بود که به هر حال بر بخش خصوصی هم اثر می‌گذاشت. در مجموع ارزش افزوده بخش ساختمان در این سال برابر ۶/۲ درصد کاهش داشت در حالیکه در سال ۱۳۷۵ معادل ۱۳/۵ درصد رشد نشان داده‌بود. همچنین آمار پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری‌های مناطق شهری که شاخصی برای نشان دادن تقاضا و پیش‌بینی وضعیت آینده فعالیتهای ساختمانی است، حاکی از کاهش سطح تقاضا برای ایجاد ساختمان است. براساس این آمار، تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کل مناطق شهری کشور ۵/۹ درصد و سطح زیربنای این ساختمانها ۱۳/۲ درصد کاهش داشته‌است.

در این مورد باید توجه داشته باشیم که بخش ساختمان تحریک‌کننده فعالیت در بسیاری از بخش‌های دیگر است و از حیث ایجاد اشتغال هم اهمیت زیادی دارد. لذا ایجاد محیط مناسب برای فعالیت بخش خصوصی در این زمینه و ایجاد زمینه مناسب توسط دولت برای تحریک این بخش می‌تواند آثار مثبتی برای تولید و اشتغال در کشور داشته‌باشد. افزایش سقف تسهیلات مسکن که اخیراً انجام شد در همین راستا و به منظور رونق بخشیدن به این بخش بوده‌است.

□ وضع مالی دولت

ریشه اصلی مشکلات ناشی از اجرای برنامه اول و دوم که منجر به انتقاداتی بعضاً غیرمنصفانه و در بعضی موارد غیرکارشناسانه از عملکرد اقتصادی دولت شد عدم تعادل مالی دولت بود. به علت

کمبود منابع مورد نیاز و اشتیاق برای اجرای کارهای عمرانی بصورت پنهان یا آشکار از منابعی استفاده شد که نهایتاً موجب بدهی دولت به نظام بانکی و ایجاد نقدینگی شد. این کار موجب افزایش قیمت گردید. افزایش قیمتها موجبی برای انتقاد از سیاستهایی که از منطلق اقتصادی برخوردار بود، شد. به نحوی که در بعضی موارد حتی اصول مبرهن و آزمایش شده هم مورد تردید قرار گرفت. لذا باید حتی الامکان از عدم تعادل مالی جلوگیری کرد و هزینه‌های دولت از درآمدها تأمین مالی شده و خرج و دخل متعادل گردد. در ترکیب بودجه باید به درآمدهایی تکیه کرد که قابل اتکاء باشد. درآمد نفت یک متغیر بروننی است لذا قابل اتکاء نیست. به همین علت بوده‌است که رشد اقتصادی ما را گاه به گاه دچار نوسان کرده‌است.

در سال ۱۳۷۶ درآمدهای دولت $۹/۲$ درصد و پرداختهای عمومی $۱۵/۸$ درصد افزایش داشت و به ترتیب برابر ۶۲۵۶۹ و ۶۵۴۳۸ میلیارد بود. این وضع منجر به تقدیم لایحه اصلاح قانون بودجه، به مجلس شورای اسلامی به میزان ۲۲۰۰ میلیارد شد. درآمد نفت و گاز با $۲۰/۵$ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۲۶ هزار میلیارد ریال بالغ شد. درآمدهای مالیاتی با رشدی برابر $۳۸/۱$ درصد به ۱۷۳۴۵ میلیارد ریال رسید و سایر درآمدهای دولت با رشد $۵۷/۶$ درصدی به ۱۹۲۰۷ میلیارد ریال بالغ شد. سهم نفت در کل درآمدها از $۵۷/۲$ درصد در سال ۱۳۷۵ به $۴۱/۶$ درصد در سال ۱۳۷۶ تقلیل یافت. در این سال نسبت درآمدهای مالیاتی به هزینه‌های جاری از $۳۳/۴$ درصد به $۳۸/۵$ درصد و به تولید ناخالص داخلی از $۵/۳$ درصد به $۶/۲$ درصد رسید که تحولی مثبت به حساب می‌آید با این حال سهم مالیات در کل درآمدها برابر $۲۷/۷$ درصد است که سستی پایه‌های بودجه را نشان می‌دهد. اگر بخواهیم به بودجه‌ای متعادل و دور از نوسانات برسیم باید نظام مالیاتی ما متحول شود. این کار مهمترین کاری است که تعادل را در بخش‌های مالی و پولی و در سایر بخش‌ها برقرار می‌کند. لذا اگر قرار بر اصلاح ساختار اقتصادی است مهمترین قدم در این راه اصلاح ساختار مالی و مالیاتی کشور خواهد بود.

جدول زیر وضع درآمدها و هزینه‌های دولت را در سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد.

درآمدها و هزینه‌های دولت

(میلیارد ریال)

رشد (درصد)		سال		
۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	
۹/۲	۳۷/۸	۶۲۵۶۹	۵۷۲۷۶	کل درآمدهای دولت
-۲۰/۵	۲۲/۸	۲۶۰۱۸	۳۲۷۴۶	درآمد نفت
۴۳/۵	۷۰/۸	۳۶۵۵۱	۲۵۴۷۰	درآمدهای غیرنفتی
۱۵/۲	۳۷/۴	۶۵۴۳۸	۵۶۷۸۳	کل پرداختهای دولت
۱۹/۷	۳۲/۱	۴۴۹۶۷	۳۷۵۷۱	جاری
۶/۶	۴۹/۱	۲۰۴۷۱	۱۹۲۱۲	عمرانی
		-۲۸۶۹	+۴۹۳	کسری (-) با مازاد (+)

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد به علت چسبندگی هزینه‌های جاری دولت، با محدود شدن درآمدهای بودجه با رقم بودجه مصوب دولت در ابتدای سال مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که در بخش هزینه‌های جاری بیش از ۹۸ درصد ارقام مصوب به مصرف رسیده در حالیکه در بخش عمرانی فقط ۶۷ درصد از بودجه مصوب پرداخت شده است. این امر موجب کاهش سهم پرداختهای عمرانی در کل پرداختهای بودجه از حدود ۳۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۷۶ گردیده است. باید توجه داشت که ادامه این روند موجب عدم تعادل در پرداختهای دولت گردیده و علاوه بر تناسیل رشد و توسعه اقتصادی راکه در شرایط فعلی و آینده با توجه به وضعیت عرضه نیروی کار به شدت به آن نیازمندیم محدود خواهد کرد.

در مورد جدول فوق همچنین باید یادآور بود که کسری واقعی بودجه دولت به رقم فوق محدود نمی‌گردد بلکه در تحلیل آثار بودجه دولت لازم است عملیات شبه مالی دولت نیز مورد توجه

قرارگیرد. عمده ترین عاملی که در این مورد باید در تحلیل‌ها منظور شود، کسری حساب ذخیره تمهیدات ارزی است که در واقع نوعی کسری بودجه تلقی شده و موجب بسط پایه پولی است. این کسری در سال ۱۳۷۶ مبلغ ۵۳۳۷ میلیارد ریال بوده است که باید به کسری بودجه منظور شده در جدول فوق اضافه شود.

□ وضع پولی و اعتباری

همانطور که قبلاً ذکر شد اختلال در تعادل بودجه دولت مانع از اجرای سیاستهای موثر پولی برای تنظیم حجم و جریان نقدینگی در تناسب با نیازهای ناشی از رشد پایدار غیر تورمی است. کسری بودجه دولت و شرکت‌های دولتی از دو طریق موجبات تضعیف سیاستهای پولی را فراهم می‌آورد. یکی از طریق بسط پایه پولی و ایجاد زمینه‌های بالقوه برای رشد نقدینگی خارج از کنترل مقامات پولی و دیگری از طریق فشار بر تسهیلات بانکی و بالا رفتن سهم بخش دولتی در تسهیلات و در نتیجه کاهش سهم فعالیتهای سرمایه‌گذاری و تولیدی بخش غیردولتی در تسهیلات بانکی است.

بنابراین مادام که چنین وضعیتی وجود دارد از یک طرف شاهد رشد بی‌رویه نقدینگی و آثار تورمی آن خواهیم بود و از سوی دیگر فعالیتهای مفید تولیدی و سرمایه‌گذاری در بخش غیردولتی دسترسی محدودتری به تسهیلات بانکی خواهند داشت. برای رفع این مشکل، طی سالهای اخیر، قانون بودجه کل کشور ضمن تعیین سقف کلی برای افزایش در مانده تسهیلات کل نظام بانکی، سقف مشخصی را نیز برای استفاده بخش دولتی از تسهیلات بانکی تعیین می‌نماید. در این رابطه بدنبال تصمیمات سالهای گذشته، در بودجه سال ۱۳۷۶ نیز سقف کلی افزایش در مانده تسهیلات نظام بانکی معادل ۸۸۰۰ میلیارد ریال تعیین و مقرر شد سهم بخش دولتی از رقم فوق حداکثر از ۴۰ درصد تجاوز ننماید. البته بعداً به دلیل وقوع خشکسالی و تأثیر آن بر بخش کشاورزی، مقرر شد مبلغ ۱۰۰۰ میلیارد ریال بر سقف کلی تسهیلات بانکی برای پرداخت به بخش کشاورزی افزوده شود.

همچنین در ادامه رویه سالهای گذشته توزیع تسهیلات بانکی بین بخش‌های مختلف اقتصادی تعیین و به تصویب شورای پول و اعتبار و هیأت محترم دولت رسید. به موجب این مصوبه سهم سه

بخش تولیدکننده کالا جمعاً ۸۷/۵ درصد (۲۵ درصد کشاورزی، ۳۳/۵ درصد صنعت و معدن و ۲۹ درصد ساختمان و مسکن) و سهم بخش خدمات و بازرگانی شامل قرض الحسنه پرداختی و تسهیلات صادراتی جمعاً ۱۲/۵ درصد تعیین گردید.

بررسی عملکرد نظام بانکی نشان میدهد که در این سال مانده کل تسهیلات نظام بانکی به بخش دولتی ۲۲/۴ درصد و به بخش غیردولتی ۲۳/۵ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب تغییر جزئی در توزیع تسهیلات بین بخش های دولتی و غیردولتی پدید آمد و سهم بخش غیردولتی اندکی افزایش یافت.

از سوی دیگر با تنظیم حجم نقدینگی، رشد حجم پول از ۳۷/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۷۶ تقلیل یافت و رشد شبه پول نیز از ۳۶/۷ درصد به ۱۷/۸ درصد رسید. در مجموع حجم کل نقدینگی که در سال ۱۳۷۵ رشد سریعی به میزان ۳۷ درصد نشان داده بود، در سال ۱۳۷۶ فقط ۱۵/۲ درصد افزایش یافت. این روند عمده ترین عامل کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۷۶ بوده است. لازم به یادآوری است که کاهش رشد نقدینگی عمدتاً در سپرده های دیداری انعکاس یافته است و سپرده های سرمایه گذاری بخش غیردولتی با توجه به مثبت شدن نرخ سود واقعی سپرده ها در اثر کاهش تورم، رشدی بیش از سال ۱۳۷۵ داشته است.

سپرده ها و تسهیلات بانکهای تجاری و تخصصی

(میلیارد ریال)

درصد تغییر		مبلغ افزایش		مانده در پایان سال ۱۳۷۶	
۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۵		
۱۵/۱	۳۸/۹	۱۵۵۹۶	۲۸۹۳۸	۱۱۸۹۳۳	سپرده های بخش غیردولتی
۱۱/۳	۴۲/۱	۴۸۶۸	۱۲۷۶۲	۴۷۹۲۴	دیداری
۳۱/۴	۲۶/۱	۱۱۲۵۷	۷۴۳۰	۴۷۱۰۴	سرمایه گذاری
-۲/۲	۵۵/۷	-۵۲۹	۸۷۴۶	۲۳۹۰۵	سایر
۲۹/۳	۲۳/۲	۲۲۰۶۹	۱۸۸۰۲	۹۷۵۱۷	تسهیلات
۲۳/۵	۳۰/۹	۷۶۵۰	۴۳۰۲	۲۱۶۵۹	بخش دولتی
۵۴/۶	۴۴/۳	۱۴۴۱۹	۱۴۵۰۰	۷۵۸۵۸	بخش غیردولتی

□ تراز پرداختها

کاهش قیمت نفت و نهداتی که بانک مرکزی بر عهده داشت موجب شد که در این سال فشار زیادی بر تراز پرداختها وارد آید. در سال ۱۳۷۶ ارزش صادرات نفتی به میزان ۱۹/۷ درصد کاهش یافت و به ۱۵/۵ میلیارد دلار رسید. علاوه بر آن صادرات غیرنفتی به دلیل کاهش قیمت‌های جهانی و تحریم واردات پسته از ایران از سوی اروپا دچار کاهش شد. ارزش صادرات پسته ۶۲/۵ درصد و صادرات سایر کالاهای نفتی و کشاورزی ۷/۳ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. به این ترتیب ارزش کل صادرات غیرنفتی به ۲/۹ میلیارد دلار رسید. این مقدار صادرات غیرنفتی بسیار کمتر از حد و ظرفیت کشوری مانند ایران است. تجدید نظر در سیاستهای صادراتی و فراهم آوردن انگیزه‌ها در زمینه‌های مساعد برای این نوع صادرات از مواردی است که در طرح ساماندهی اقتصادی مورد تصویب قرار گرفت و جا دارد که مورد تأکید و توجه روزافزون قرارگیرد.

در سال ۱۳۷۶ واردات به ارزش فوب با کاهشی برابر ۵/۸ درصد به حدود ۱۴/۱ میلیارد دلار رسید به این ترتیب علیرغم کسری در حساب خدمات به میزان ۲/۴ میلیارد دلار خالص حساب جاری تراز پرداختها مانند سال قبل مثبت بود و مازادی برابر ۲/۲ میلیارد دلار نشان داد.

در حساب سرمایه بطور خالص ۴/۷ میلیارد دلار از بدهیهای خارجی بازپرداخت شد که ۳/۵ میلیارد آن مربوط به بدهیهای بلندمدت بود. به این ترتیب حجم بدهیهای کشور به ۱۲/۱ میلیارد دلار محدود شد. با در نظر گرفتن مازاد حساب جاری، موازنه کل ۳/۷ میلیارد دلار کسری داشت که از محل ذخایر ارزی کشور تأمین شد. ضمناً باید توجه داشت که در سالهای اخیر روند بازپرداخت بدهیهای خارجی کشور سریعتر از پیش‌بینی‌های قانون برنامه دوم بوده است. بطوریکه به جای ۱/۶ میلیارد دلار پیش‌بینی شده در قانون، مبلغی معادل ۴/۷ میلیارد دلار از بدهی‌ها در این سال پرداخت شده است. این کار موجب افزایش اعتبار کشور در بازارهای مالی بین‌المللی و کاهش نرخ تسهیلات و اعتبارات برای کشور شده است. به همین جهت به جای استفاده از تسهیلات پرهزینه یوزانس از خطوط اعتباری مستقیم و با شرایط بهتری کشور استفاده می‌کند. در مجموع می‌توان گفت پرداخت بدهیهای خارجی و تأمین واردات ضروری اقتصاد کشور از نقاط قوتی است که در تراز پرداختها مشهود است.

□ روند قیمت‌ها

علیرغم برخی تحولات منفی در صحنه اقتصاد جهانی و اقتصاد ملی، نرخ تورم در سال ۱۳۷۶ بشدت محدود شد بطوریکه در این سال شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از ۱۷/۳ درصد رشد نسبت به سال قبل (۲۳/۲ درصد) برخوردار گردید. شاخص بهای عمده فروشی و شاخص بهای تولیدکننده نیز به ترتیب ۹/۹ درصد و ۱۵/۶ درصد رشد داشت. میانگین رشد شاخص‌های مذکور در نه ماهه سال ۱۳۷۷ به ترتیب برابر ۱۹/۷ درصد، ۱۱/۸ درصد و ۱۸ درصد بود.

بررسی اجزای شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نشان می‌دهد که طی سال ۱۳۷۶ کلیه گروه‌های اصلی در مقایسه با سال قبل افزایش داشته ولی از نرخ رشد این گروه‌ها در مقایسه با ارقام مشابه سال قبل کاسته شد. لیکن در نه ماهه سال ۱۳۷۷ در میان گروه‌های اصلی، شاخصهای "خوراک"، "برق و آب و سوخت"، "حمل و نقل و ارتباطات" و "کالاها و خدمات متفرقه" از افزایش سرعت رشد برخوردار شدند. افزایش متوسط شاخص خوراک که از ۱۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۳/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ محدود شده بود از ابتدای سال ۱۳۷۷ روند افزایشی به خود گرفت و به ۲۴/۴ درصد در نه ماهه سال ۱۳۷۷ رسید. ارقام مشابه در مورد شاخص پوشاک به ترتیب ۳۴/۷ درصد، ۱۳/۲ درصد و ۷/۶ درصد بوده است.

تغییرات متوسط شاخص قیمت‌ها

(درصد)

نُه ماهه			سال			
۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
۱۹/۷	۱۶/۹	۲۵/۲	۱۷/۳	۲۳/۲	۴۹/۴	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
۱۱/۸	۹/۰	۲۸/۴	۹/۹	۲۵/۱	۶۰/۲	شاخص بهای عمده‌فروشی کالاها
۱۸/۰	۱۵/۲	۲۸/۳	۱۵/۶	۲۶/۴	۴۷/۵	شاخص بهای تولیدکننده

□ بازار سرمایه

روند فعالیت در بازار بورس اوراق بهادار تهران که در اواسط سال ۱۳۷۵ به اوج خود رسیده بود از آن پس رو به تنزل نهاد و این روند در سال ۱۳۷۶ نیز ادامه داشت. در مجموع ارزش اسمی حجم کل معاملات سهام در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۷۶ به کمتر از نصف سال ۱۳۷۵ رسید و به ۱۸٫۰۲ میلیارد ریال محدود شد. این رقم فقط ۷/۲ درصد متوسط ارزش سهام کل شرکتهای پذیرفته شده در بورس و ائتشیکیل می دهد. ضریب مذکور که نشان دهنده نسبت فعالیت بورس است در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۴/۸ درصد یعنی بیش از دو برابر نسبت سال ۱۳۷۵ بوده است. به موازات رکود در معاملات سهام، شاخص قیمت سهام نیز با کاهش مواجه بوده است. این شاخص بر پایه سال ۱۳۶۹ از رقم ۱۹۳۶/۸ در پایان سال ۱۳۷۵ به ۱۶۵۳ در پایان سال ۱۳۷۶ رسید و ۱۴/۶ درصد کاهش نشان داد.

در مجموع از کل سهام معامله شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال ۱۳۷۶ حدود ۳۴۰ میلیارد ریال مربوط به عرضه سهام از سوی بخش عمومی و بانکها بود. از رقم اخیر مبلغ ۱۲۵ میلیارد ریال از طرف شرکتها و سازمانهای دولتی، ۱۲۸ میلیارد ریال بوسیله بنیادها و ۸۷ میلیارد ریال توسط بانکها عرضه شد.

همچنین در این سال جمعاً ۱۳ شرکت جدید در بورس اوراق بهادار پذیرفته شد و بدین ترتیب جمع تعداد شرکت های پذیرفته شده در بورس از ۲۷۷ شرکت در سال ۱۳۷۵ به ۲۹۰ شرکت در سال ۱۳۷۶ رسید.